|  |
| --- |
| مقطع تحصیلی:کاردانی🞏کارشناسی🞎 رشته:.روابط عمومی...................ترم:....اول.......سال تحصیلی: 1398- 1399  نام درس:...جامعه شناسی فرهنگی....... نام ونام خانوادگی مدرس:.......آزاده نجفی.....................................  آدرس emailمدرس:.................drnajafi.99. تلفن همراه مدرس09122832242 |
| جزوه درس:......جامعه شناسی فرهنگی.......... مربوط به هفته : هفتم  text: دارد 🞎ندارد\*🞎 voice:دارد🞎 ندارد🞎 power point:دارد🞎 ندارد🞎  تلفن همراه مدیر گروه : ......................................09124058720......  جلسه هفتم  مهم : مفهوم فرهنگ به لحاظ تحول تاریخی آن:   |  |  |  |  | | --- | --- | --- | --- | | دوره ها | مفهوم فرهنگ | زمان | مسئله اجتماعی | | دوره اول | مفهوم در ادبیات مثل:  قصه شاه پریان | سده 16 میلادی تا عصر روشنگری | تمایز فرهنگی | | دوره دوم | عصر فلسفه و روشنگری | عصر روشنگری تا سده 17و 18 | تعالی انسانی و اجتماعی | | دوره سوم | فرهنگ و تمدن | دوران تاسیس سرمایه داری | تعیین رابطه بین فرهنگ و تمدن | | دوره چهارم | فرهنگ و جامعه | تاسیس جامعه مدنی | استقرار جامعه مدنی | | دوره پنجم | فرهنگ و زندگی | دوره جدید (قرن20) | تکثر گرایی |   **î** عناصر کانونی فرهنگ را توضیح دهید:  تاکید بر یک عنصر خاص در فرهنگ می تواند حکایت از رویکردهای متفاوت باشد. مثلا رویکرد اجتماعی به موضوع ، رویکرد فلسفی، رویکرد سیاسی، رویکرد مادی گرایانه، همهی اینها می تواند بر یک وجه از عناصر کانونی فرهنگ دلالت کند. مذهب، یکی از عناصر کانونی فرهنگ بوده که در درون ادیان قرار دارد و دین اصلی ترین عنصر تمدن می باشد.  از نظر فرهنگ گرایان و اسلام گرایان ایرانی، می گویند فرهنگ چیزی بیشتر از دین نیست. جامعه ی ایرانی در جریان نوسازی در سده اخیر بیش از دین بر زبان تکیه کرده است. زبان، به عنوان حلقه پیوند ، فرهنگ و دوران باستانی ایران بوده است. زبان فارسی در حقیقت در طول زمان بار فرهنگ را حمل کرده است و بین اجداد و اعقاب (عقبه ها) وحدت ایجاد نموده است.  **î** تمدن چیست و با چه عناصر عینی تعریف می شود و بر اساس چند رویکرد تبیین میشود؟ (5 رویکرد): توضیح دهید.  تمدن گسترده ترین واحد فرهنگی مستقل است. به این معنی که تمدن با عناصر عینی مشترک مثل زبان، تاریخ، دین، عادات، نهادها، و حتی عوامل ذهنی انسانی تعریف میشود.تمدن بر اساس رویکردهای مختلف تبیین می شود:  رویکرد اول: در رویکرد آلمانی، تمدن «کانون فرهنگی» است که از آن اندیشه های مختلفی از جمله اندیشه ملی گرایانه به دست می آید.  رویکرد دوم: رویکرد فرانسوی است که تمدن و فرهنگ را به عنوان دو کل متباین می داند.  رویکرد سوم: رویکرد آمریکایی و انگلیسی است که تمدن و فرهنگ را هر دو یکسان تلقی می کند.  رویکرد چهارم: سابقه و تجربه مشترک افراد در درون یک حوزه تمدنی و فرهنگ در جریان تحولات طولانی و تاریخی به دست می آید.  رویکرد پنجم: ارزش ها و نظم نمادین: بسیاری از جامعه شناسان و مردم شناسان مدعی اند که کانونی ترین عنصر فرهنگ «ارزش ها» هستند. در این میان فرهنگ به معنای دامنه ای از ایده آل ها، ایده ها، ارزش ها و نظم نمادین است و همین نظم نمادین، تمایز بین فرهنگ و سازمان های اجتماعی را در پی دارد.  تمدن چیست و با چه عناصر عینی تعریف می شود توضیح دهید.  تمدن گسترده ترین واحد فرهنگی مستقل است. به این معنی که تمدن با عناصر عینی مشترک مثل زبان، تاریخ، دین، عادات، نهادها، و حتی عوامل ذهنی انسانی تعریف میشود.تمدن بر اساس رویکردهای مختلف تبیین می شود:  **î** مفاهیم عمده در تمایز گذاری تعریف فرهنگ را نوشته و به اختصار آنها را توضیح دهید:  **1- فرهنگ نخبه:**  این فرهنگ، ریشه در آلمانی بودن آن داردکه بیشتر برای ارتقاء فکر و اندیشه انسان ها مورد بررسی قرار می گیرد. که بعضی از اندیشمندان فرهنگ نخبه را با فرهنگ متعالی یکی دانسته اند و برای آن باید گام های بلندتری برداشته شود. فرهنگ متعالی می تواند بر اساس نظام دوگانه ای هم مطرح شود. 1- فرهنگ پست 2- فرهنگ قوی  فرهنگ متعالی با نظام سلسله مراتب پیوند خورده است. آنچه که رسانه های جمعی در قالب برنامه های فرهنگی مطرح می کنند و آن را به عنوان فرهنگ پست تعریف خواهند کرد نزد نخبگان ما این فرهنگ متعالی است چرا که فرهنگ متعالی 4 شرط دارد:  1- وجود گروهی نخبه 2-تعامل بین گروه ها  3- فرهنگ نخبه در نظام سلسله مراتب شکل میگیرد 4- فرهنگ نخبه به دانش و علم و فناوری روی می آورد.  2- فرهنگ عامیانه:  بیشتر بر عادات، آداب، مشاهدات، خرافات و... تاکید دارد و معمولا فرهنگ عامیانه به شدت شخصی و مبتنی بر عرف و نظام خویشاوندی است و به طور سنتی از طریق مقدسات کنترل می شود.این فرهنگ بر اساس میراث شفاهی سامان یافته و در محدوده هایی بومی و محلی توسعه می یابد.  3- فرهنگ توده:  فرهنگ توده به معانی متعددی در ادبیات علوم اجتماعی به کار رفته است. این فرهنگ از چند منظر قابل تفکیک است:  اولا: فرهنگ توده ملازم با جامعه انبوه می باشد.  ثانیا: فرهنگ توده، در جوامع متمدن و شهری شده و صنعتی که فرد در آن اتمی است(اتمی: کوچکترین عضو جامعه) وجود ندارد.  ثالثا: فرهنگ توده در مقابل فرهنگ نخبه وجود دارد. این دو فرهنگ ضد هم هستند.در نتیجه فرهنگ توده به فرهنگی گفته می شود که توده ها مصرف کننده آن هستند.  رابعا: موضوعات و اجزاء فرهنگ توده از طریق رسانه های جمعی، به شکل وسیعی که به صورت بازاری و در قالب کالاها، ایجاد، اشاعه و سامان دهی می شود.فرهنگ توده، ایدئولوژی نظام سرمایه داری است. جامعه ی توده ای از افراد پراکنده ای تشکیل شده است. افرادی که هیچ نوع رابطه منسجم، معناداریا اخلاقی با یکدیگر ندارند.فرهنگ توده ای ، فرهنگی پست، کم اهمیت، سطحی، تصنعی و متحدالشکل است. و فرهنگ توده ای همیشه نقاط قوت فرهنگ عالی و بومی را سست کرده و حتی فرهنگ روشن فکران را به چالش می کشد.  4- فرهنگ عامه:  مجموعه ای از بدایع ساخت بشر که به طور عمومی، در اختیار همه می باشد. در این نوع فرهنگ به صورت اجتماعی و افراد با هم تعامل دارند ولی افراد به ظاهر بی شکل و ساختار هستند اما دارای انسجام و ارتباط معنی دار می باشند و افراد در این فرهنگ از یکدیگر متمایز، متنوع و به صورت فعال حضور دارند و کنش گران (افراد جامعه) در این فرهنگ همه با هم مرتبط هستند، ساختارها را می بینند(ساختار: رابطه بین اجزاء) |